

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

نوبت سکوت دیپلماسی

فواد ایزدی در گفتگو با نوبنیاد؛ به طور کلی باتوجه به لفاظی‌ها و ادبیاتی که ترامپ استفاده می‌کند این هفته حتماً باید دیپلماسی تعطیل شود؛ دیپلماسی ارزش نیست؛ بلکه ابزار است و باید درست از آن استفاده شود. پیشنهاد من این است که این هفته اصلاً به اسلام‌آباد سفری صورت نگیرد و صحبت از مذاکره نباید باشد.

۲

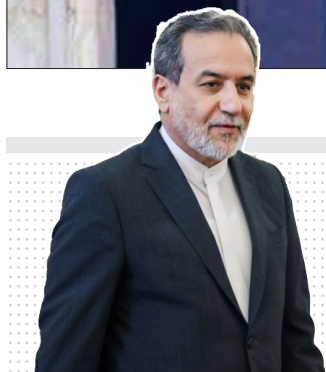


سخنان اخیر سخنگوی دولت و ضعیف‌نمایی‌های مکرر از شرایط کشور با چه هدفی طرح می‌شود؟

پاس گل سخنگو

مهاجرانی روز شنبه در آیین تجلیل از «زنان پای کار ایران در جامعه کار و تولید در جنگ تحمیلی سوم» ضمن اشاره به هجوم دشمن به زیرساخت‌های فولاد، پتروشیمی و پل‌ها، براینکه باید تمام مشکلات را روی میز بیزیم و برای آن راهکار پیدا کنیم تأکید کرد و گفت: «با پنهان کردن مشکلات به راهکار نمی‌رسیم؛ راهی جز پذیرش وجود ندارد و باید واقعیت را بپذیریم. ناترازی داریم، صنعت فولاد و پتروشیمی آسیب دیده اما باید راه حل مشکل را پیدا کنیم.» این اظهار عجز سخنگوی دولت به سرعت تیترو رسانه‌های معاند و ضدایرانی چون اینترنشنال شد و به فضا سازی‌های آنان برای نمایش ضعف در ایران کمک کرد. هر چند بیان نامتعارف کاستی‌ها و مشکلات کشور، الگوریتم رسانه‌ای دولت چهاردهم و شخص پزشک‌بان بوده و معمولاً با عناوینی چون صداقت با مردم توجیه می‌شده است، به نظرمی‌رسد بیان اینگونه مطالب در شرایط فعلی که هنوز جنگ عملاً پایان نیافته و دشمن در پی سواستفاده از هرگونه احساس ضعف در کشور است، بار معنایی متفاوتی دارد و باید از آن پرهیز شود.

۳



دیپلماسی

بدون شفافیت

۷

صفحه ۴

اقتصادی

قیمت مرغ

در حال پرواز است

صفحه ۴

بین الملل

بزرگ شوید!

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

وحدت در فرهنگ و اندیشه اسلامی، از والاترین فضایل و سفارش‌های مؤکد قرآنی است؛ آنجا که خداوند متعال به «اعتصام به حبل الله» (چنگ زدن به ریسمان الهی) فرمان می‌دهد. وحدت حقیقی ریشه در «تألیف قلوب» و اخوت اسلامی دارد و به معنای پیوند دل‌ها، مهربانی با یکدیگر (رحماء بینهم) و ایستادن در یک صف واحد برای اعتلای امت است. این هم‌دلی هرگز به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی، حذف سلاقی یا سرکوب تضارب آرا نیست، بلکه یافتن نقطه پرگار مشترک در سایه سعه صدر است.

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۵

اقتصادی

کاهش بیکاری با «اثر دلسردی»

با اینکه نرخ بیکاری کاهش یافته است، اما به دلیل پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی و افزایش اشتغال‌های کم‌کیفیت، نمی‌توان این کاهش را نشانه‌ای از بهبود جدی در بازار کار دانست.

لرزش کاخ سفید با صدای گلوله

تیراندازی در شام خبرنگاران کاخ سفید، مراسمی را که قرار بود نماد اقتدار و ثبات سیاسی آمریکا باشد، به صحنه‌ای از آشفتگی، فرار و وحشت تبدیل کرد

با حمله مجدد رژیم صهیونیستی به لبنان، وضعیت پیش‌شرط‌های ایران برای مذاکره را از فواد ایزدی جویا شدیم

نوبت سکوت دیپلماسی

یکی از پیش‌شرط‌های اعلام شده ایران در مذاکره با آمریکا بود با فواد ایزدی استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل گفتگو کرده‌ایم.

باتوجه به گمانه‌زنی‌ها مبنی بر شکل‌گیری دور دوم مذاکرات در اسلام‌آباد، تداوم محاصره دریایی آمریکا و همچنین نقض پیاپی آتش‌بس در لبنان که



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

در روز جمعه هفته جاری، مهلت ۶۰ روزه جنگ تمام می‌شود؛ چراکه مطابق قانون اختیارات جنگی، ترامپ نمی‌تواند جنگ را ادامه دهد مگر اینکه بتواند رای مثبت از کنگره آمریکا بگیرد. دفعه قبلی با ۵۱ رای به نفع ادامه جنگ رای گیری شد. در حال حاضر ۴ سناتور جمهوری خواه که دفعه قبل به جنگ رای مثبت دادند اعلام کردند برای بار دوم بنایی نداریم رای دهیم.

این یعنی دفعه بعد که قرار است رای گیری انجام شود، اگر از ۴ نفر دوفررای خود را برگردانند، ادامه جنگ رای نمی‌آورد؛ بنابراین براساس قانون اساسی آمریکا جنگ باید متوقف شود و ترامپ می‌تواند برای برگرداندن سربازان آمریکایی درخواست ۳۰ روزه بدهد؛ اما در این تمدید ۳۰ روزه نمی‌تواند عملیات آفندی داشته باشد.

در این صورت در حالتی ترامپ می‌تواند این داستان را دور بزند که تبلیغات و نزدیک بودن نتیجه‌گیری از مذاکرات را بزرگ‌نمایی کند تا آن ۴ سناتور جمهوری خواه که تحت فشار هستند رای خود را عوض کنند؛ لذا رفتن به اسلام‌آباد اشتباه است. اگر ما بدون توجه به وضعیت داخلی آمریکا و موقعیت ترامپ کاری انجام دهیم به نفع ترامپ تمام خواهد شد.

پیشنهاد‌های شما به هیئت مذاکره‌کننده اسلام‌آباد چیست؟

پیشنهاد بنده این است این هفته اصلاً به اسلام‌آباد سفری صورت نگیرد و صحبت از مذاکره نباید باشد، علاوه بر این باید شرایطی مهیا کرد تا سربازان آمریکایی در منطقه احساس خطر داشته باشند. چون ترامپ ادعا خواهد کرد از ۸ آوریل که آتش‌بس شروع شده است سربازان آمریکایی در معرض خطر نیستند؛ بنابراین از این جهت فشاری به او وارد نخواهد شد.

به‌طور کلی باتوجه به لفاظی‌ها و ادبیاتی که ترامپ استفاده می‌کند این هفته حتماً باید دیپلماسی تعطیل شود؛ دیپلماسی ارزش نیست؛ بلکه ابزار است و باید درست از آن استفاده شود. به نظر بنده فرماندهان نظامی ما می‌توانند بررسی کنند تا برای بازشدن تنگه هرمز و محاصره دریایی، اقدامات و عملیاتی انجام دهند. این کار نقض آتش‌بس نیست؛ چراکه بعد از آتش‌بس ۱۴ روزه ایران تمديد را نپذیرفته و همچنین در حقوق بین‌الملل محاصره کشورها یک اقدام جنگی است؛ بنابراین به نظر بنده باید این هفته یکی الی دو عملیات که جزئیات آن را مقامات نظامی کشور تشخیص می‌دهند انجام شود.

تنگه هرمز محاصره شد، معلوم است که این بازه زمان صحیحی نبوده است؛ بنابراین باتوجه به تجارب گذشته طی هفته‌های اخیر و حتی سال‌های اخیر باید توجه داشت که این سبک کار باید اصلاح شود.

بعد از اینکه ترامپ خبر لغو سفر کوشنر و ویتکاف به پاکستان را منتشر کرد؛ مدعی شد که ۱۰ دقیقه بعد ایرانی‌ها با من تماس گرفتند و پیشنهاد‌های جدیدی ارائه کردند. این عملیات روانی رسانه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زمانی که هیئت مذاکره‌کننده ما بدون دلیل موجه به اسلام‌آباد سفر می‌کند، در اینجا ترامپ فرصت عملیات روانی پیدا می‌کند و نباید این فرصت‌ها به او داده شود.

به نظر شما علل مؤثر و تاثیرگذار در عدم تحقق پیش‌شرط‌های ایران چیست؟

ببینید عدم تحقق پیش‌شرط‌ها ناشی از این است که طرف مقابل آمادگی برای پایان جنگ ندارد و فکرمی‌کند می‌تواند امتیازی که در جنگ نگرفته است را در مذاکره بگیرد؛ زمانی که ترامپ قبل از سفر به اسلام‌آباد متنی را منتشر کرد که ما براساس ۱۰ شرط ایران مذاکرات را انجام می‌دهیم خب این خوب بود. اما قبل از اینکه هیئت کشورمان به اسلام‌آباد سفر کند، سخنگوی کاخ سفید و سایر مقامات آمریکایی، زیر حرف ترامپ زدن و حتی خود او حرفش را پس گرفت.

زمانی که شما دیدید در عرض چند ساعت اینها حرفشان را ۱۸۰ درجه عوض کردند و گفتند این ده شرط ایران را در سطل آشغال انداخته‌ایم، دیگر این سفر نباید اتفاق می‌افتد. پیام این سفر برای طرف مقابل این بود که ایرانی‌ها وضعیتشان خوب نیست و چاره‌ای ندارند و می‌شود با آن‌ها بازی کرد و زمانی که هیئت مذاکره‌کننده ما به ایران برگشت، به این جمع‌بندی رسیدند که ایران را محاصره دریایی کنند و حتی به‌صورت روزانه آتش‌بس در لبنان را نقض کردند در حدی که منجر به به‌شهادت‌رساندن یک خبرنگار شدند. بدین جهت امید داریم باتوجه به شرایط فعلی مسئولین روند کنونی را اصلاح کنند چراکه روند صحیحی نیست.

باتوجه به یادداشتی که اخیراً در خصوص پایان مهلت جنگی ارتش آمریکا تا ۱۱ اردیبهشت داشتید، به نظر شما سفر به اسلام‌آباد می‌تواند این موضوع که اهرم فشاری بر ترامپ محسوب می‌شود را تحت الشعاع قرار دهد؟

باتوجه نقض آتش‌بس از طریق محاصره دریایی و عدم تحقق پیش‌شرط‌های دور اول مذاکرات که توسط ایران مطرح گردید و همچنین نقض آشکار آتش‌بس در لبنان به نظر شما آیا منطقی است که ما دور دوم مذاکرات ادامه بدهیم؟ ارزیابی شما چیست؟

ادامه مذاکرات منطقی نیست، باتوجه به اینکه آتش‌بس در لبنان نقض شده و در دور اول مذاکرات هم ۸۰ نفر به اسلام‌آباد رفتند و بعد از ۲۴ ساعت ترامپ اعلام کرد تنگه هرمز را محاصره کرده و هنوز هم محاصره است و همچنین ۲۴ ساعت قبل از آغاز دوره جدید به کشتی ایرانی شلیک کردند، بنابراین هیچ توجیهی برای سفر به اسلام‌آباد نیست. خوشبختانه این سفر اخیر به پاکستان بخیر گذشت، منتهی صحبت‌هایی مبنی بازگشت به اسلام‌آباد است که قطعاً توجیه ندارد؛ بلکه باید این محاصره متوقف و آتش‌بس در لبنان برقرار شود تا شاید بشود به مذاکره فکر کرد.

باتوجه به فعال شدن جریان سازش در کشور و افزایش تولیدات رسانه‌ای و محتوایی این جریان پیرامون مذاکره؛ به نظر شما آیا میتوان از طریق مذاکره جلوی حملات اسرائیل را گرفت؟

متأسفانه این توهم که با مذاکره و دادن امتیاز، می‌توان طرف مقابل را متعهد کرد تا متنی را اجرا کند سال‌ها است در کشور تجربه شده است. این مسئله را مادر برجام تجربه کردیم و تاکنون هیچ درسی ظاهراً نگرفتیم. البته این درست است که هر جنگی در نهایت باید با مذاکره تمام شود؛ اما شما ابتدا باید تشخیص دهید چه زمانی طرف مقابل آمادگی متوقف کردن جنگ را دارد. این تشخیص هنری است که فعلاً نشانه‌هایی از آن نمی‌بینیم؛ زمانی که با ۸۰ نفر به اسلام‌آباد برویم ۲۴ ساعت بعد



خبر کوتاه

مخبر: بازسازی واحدهای آسیب‌دیده در اولویت است

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در نشست با اعضای هیئت مدیره پتروشیمی‌های کشور گفت: حل مشکلات ناشی از جنگ باید با مدیریتی واحد مبتنی بر دو مؤلفه تفویض اختیار و تسهیل‌گری برای مدیران مربوطه شکل گیرد که به ترتیب اولویت، مسائلی مانند بازسازی واحدهای آسیب‌دیده و حل مشکلات ارزی را دنبال کند. وی همچنین با اشاره به اهمیت استفاده از بدنه نخبگانی کشور که در شرکت‌های دانش‌بنیان مشغول به فعالیت هستند، اظهار داشت: می‌توان با استفاده از این ظرفیت، مدت زمان فرآیند بازسازی را کمتر کرد و کیفیت کار را ارتقا بخشید.

نیکزاد: دستور رهبری است که تنگه هرمز به حالت قبل برنگردد

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: ما به هیچ وجه تنگه هرمز را به حالت قبل برنمی‌گردانیم، این دستور رهبر انقلاب است. رهبر انقلاب در اولین فرمایششان فرمودند که مکان‌های دیگر شناسایی و عین تنگه مدیریت شود. ترامپ غلط کرد که بگوید باید عراقچی به پاکستان برود. وی افزود: مگر ترامپ بعد از بمباران فردو و نظنز نگفت که همه چیز را از بین برده و ایران، هسته‌ای ندارد؟ حالا می‌گوید که قبول نمی‌کنم ایران هسته‌ای داشته باشد؛ ترامپ چه کاره دنیا است؟

خضریان: ایران کشورهای مبدأ تجاوز را رها نخواهد کرد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفتگویی گفت: اعزام ناو هواپیمابر «جورج ووش» به منطقه، اساساً یک چتر پدافندی متحرک است و حکایت از این دارد که جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای سامانه‌های پدافندی آمریکا در سطح منطقه را مورد هدف قرار داده که ناچار شده است این ناو را به منطقه اعزام کند. وی افزود: آمریکا ریسک مورد اصابت قرار گرفتن ناو را با هدف قانع کردن شرکای منطقه‌ای خود برای همکاری در آغاز مجدد تجاوز از خاک این کشورها پذیرفته است. وی هشدار داد: شرکای منطقه‌ای آمریکا بدانند که ناو با هرگونه تجاوزی ناچار خواهد شد که از منطقه برود، اما جمهوری اسلامی ایران و شما اینجا می‌مانید و جمهوری اسلامی ایران مبدأ تجاوز را رها نخواهد کرد.

مراسم چهلم شهید سرلشکر سلیمانی برگزار می‌شود

مراسم چهلمین روز شهادت سرلشکر پاسدار غلامرضا سلیمانی رئیس سازمان بسیج مستضعفین و بزرگداشت شهدای جنگ رمضان در روز سه‌شنبه ۷ اردیبهشت از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۱:۳۰ در مصلی امام خمینی شهرکرد و همچنین در روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۱:۳۰ مصلی امام حسین علیه‌السلام فارس برگزار می‌شود

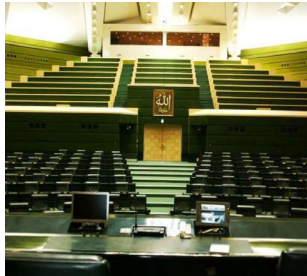
دستگیری تروریست‌های عامل تیراندازی به تجمعات مردمی در کرمان

وزارت اطلاعات طی پیامی اعلام کرد: عاملان چند تیراندازی به تجمعات مردمی در میدان آزادی کرمان شناسایی و دستگیر شدند. سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان طی سلسله اقدامات اطلاعاتی- عملیاتی و مجاهدت‌های خاموش و شبانه‌روزی، با بهره‌گیری از همکاری و هم‌افزایی برادران خود در سپاه پاسداران، فرماندهی انتظامی استان کرمان و دادگستری استان کرمان، موفق به شناسایی و دستگیری ضربتی تروریست اصلی عامل تیراندازی به مردم قهرمان حاضر در تجمعات شبانه میدان آزادی کرمان و سه عامل همدست او، شامل دو مرد و یک زن شدند.

پاسخ مجلس به انتقادات از تعطیلی صحن و ۲ سؤال جدید

امیر ابراهیم رسولی، مشاور سیاسی رئیس مجلس شورای اسلامی در توییتی پیرامون انتقادات از تعطیلی صحن علنی مجلس شورای اسلامی نوشت: چرا صحن علنی مجلس برگزار نمی‌شود؟ آنچه محرز است، ابلاغ رسمی مراجع ذیصلاح درباره پروتکل برگزاری جلسات عالی نظام است که شامل صحن علنی مجلس با ۲۹۰ نماینده نیز می‌شود. لذا قوه مقننه نیز تابع تصمیمات کشور است. او همچنین در ادامه این توییت که با هشتگ «عقلانیت» منتشر شده، نوشته است: تدبیر نکنند و اتفاقی افتاد، می‌گویند کوتاهی شده است؛ پس تدبیر نظام را سیاسی نکنید. »

رسولی البته به انتقادات نمایندگان به کنار گذاشته شدن از فرایند تصمیم‌گیری (آن چنان که در مواضع اخیر چهره‌هایی چون روانبخش، ثابتی، رسایی و ده‌ها نماینده دیگر آمده) اشاره‌ای نداشت؛ اما در خصوص تعطیلی صحن علنی مجلس نیز این سؤال مطرح بود که چرا این تدبیر موقت امنیتی، به حذف اخذ نظر نمایندگان مجلس پیرامون موضوعات و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور چون مذاکرات اسلام‌آباد و یا نحوه مدیریت و حکمرانی بر تنگه هرمز انجامیده و مثلاً چرا مشابه ایام همه‌گیری کرونا، امکان برگزاری جلسات نمایندگان به‌صورت آنلاین و مجازی سلب شده‌است. سوال دیگری که در این فضا طرح می‌شود، چرایی فعالیت روتین و متداول فعالیت‌های قوای مجریه و قضائیه است. از جمله سخنگوی دولت روز گذشته تصریح کرد: جلسات دولت به‌صورت مشخص در حال برگزاری است و طبق روال معمول، مصوبات دولت در روزهای یکشنبه و چهارشنبه جمع‌بندی می‌شود.



سخنان اخیر سخنگوی دولت و ضعیف‌نمایی‌های مکرر از شرایط کشور با چه هدفی طرح می‌شود؟

پاس گل سخنگو

سخنان اخیر فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم درباره تبعات جنگ رمضان در حوزه‌های اقتصادی و طرح بی‌پروای آسیب‌ها و ضعف‌ها در میانه مصاف با دشمنان، به اهرمی جدید در دست رسانه‌های ضدایرانی بدل شد تا پیام ضعف و سستی از کشور را ضریب داده و از عظمت پیروزی شگرف ایران در نبرد با آمریکا و رژیم صهیونیستی بکاهند. هر چند برخی معتقدند سخنان اخیر مهاجرانی با هدف تقویت خط مذاکره و امتیازدهی بیان شده اما آنچه عیان است، عدم صلاحیت او برای جایگاه مهم سخنگویی دولت جمهوری اسلامی است.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

و روان‌آحادی از مردم قصد خدشه در وحدت ملی و به تبع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و بدست خود ما این قصد شوم تحقق یابد. از این رو توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند این است که از پرداختن به نقاط ضعف بطور جدی خودداری نکنند. در غیر اینصورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد.»

سخنان اخیر مهاجرانی البته تنها مثال ضعف‌نمایی از شرایط کشور نبوده‌است. او چند روز پیش در گفتگو با ریانووستی مدعی شده بود: خسارات ایران از حملات آمریکا و اسرائیل فعلاً حدود ۲۷۰ میلیارد دلار برآورد شده‌است. عددی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان فضایی برآورد شده و غیر از شارژ کمپین جریان سازش برای تسلیم ایران برابر ترامپ، کارایی دیگری نداشته است.

نکته قابل توجه در بیان اخیر سخنگوی دولت، توجیه صداقت با مردم برای طرح آمارهای مضر به امنیت ملی و امنیت روانی مردم است آنجا که می‌گوید: «با پنهان کردن مشکلات به راهکار نمی‌رسیم!» در این خصوص باید متذکر شد که این منطق از بیان مشکلات پیش از این بارها از سوی شخص رئیس دولت چهاردهم بیان شده و اتفاقاً بر خلاف نیت گوینده، نتایج سوئی برای کشور به دنبال داشت.

مسعود پزشکیان از روز نخست ریاست جمهوری‌اش بارها و بارها در سخنان عمومی، از ضعف و نارسایی‌ها و کمبودها و مشکلات کشور گفت و در پاسخ به انتقادات، بهانه صداقت با مردم را پیش می‌کشید. اتفاقاً باید به مسئولان دولتی متذکر شد یکی از دلایل وضعیت امروز کشور، تحمیلی دو جنگ به ایران و شهادت رهبر شهید انقلاب، تحریک و تشجیع دشمنان در نتیجه تصویرسازی‌های منفی افراطی از شرایط و توانمندی‌های کشور بوده است.

ناظر به همین واقعیات و گزاره‌ها است که به نظر می‌رسد خانم مهاجرانی اساساً شایستگی سخنگویی کشور در این شرایط حساس و وضعیت جنگی را ندارد. او همچنان که بارها نشان داده نه رسانه را می‌فهمد و نه ضرورت‌های شرایط کشور را می‌داند و هر بار که سخن می‌گوید یک حاشیه جدید برای دولت و کشور درست می‌کند.



بزرگ شوید!

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

وحدت در فرهنگ و اندیشه اسلامی، از والاترین فضایل و سفارش‌های مؤکد قرآنی است؛ آنجا که خداوند متعال به «اعتصام به حبل» (چنگ زدن به ریسمان الهی) فرمان می‌دهد. وحدت حقیقی ریشه در «تألیف قلوب» و اخوت اسلامی دارد و به معنای پیوند دل‌ها، مهربانی با یکدیگر (رُحماء بینهم) و ایستادن در یک صف واحد برای اعتلای امت است. این هم‌دلی هرگز به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی، حذف سلاقی یا سرکوب تضارب آرا نیست، بلکه یافتن نقطه

پرگار مشترک در سایه سعه‌صدر است. اما جای تأسف است که گاهی این مفهوم متعالی دچار تحریف و تنگ‌نظری می‌شود. عده‌ای واژه مقدس «وحدت» را مصادره به مطلوب کرده و آن را به ابزاری برای تحمیل نظرات خود تقلیل داده‌اند. از نگاه این گروه، وحدت نه به معنای برادری و مدارا، بلکه صرفاً به معنای «هم‌شکلی اجباری» و تسلیم محض در برابر سلیقه آن‌هاست. در این منطق تحریف‌شده، هر کس که اندکی متفاوت ببیند یا نقد و نظری داشته باشد، با چماق «تفرقه‌افکنی» طرد شده و آماج تندترین توهین‌ها قرار می‌گیرد.

دردآور آنکه همین مدعیان انحصاری وحدت، در عمل به بزرگ‌ترین عامل تفرقه و شقاق در جامعه تبدیل می‌شوند. آن‌ها به جای تمسک به سیره پیامبر اعظم (ص) در ایجاد الفت میان قبایل متکثر و به جای استفاده از روش قرآنی «جدال احسن»، با خط‌کشی‌های سیاسی مداوم و برچسب‌زنی‌های کودکانه به دیگران، بذر کینه می‌کارند. وقتی سعه‌صدر و اخلاق اسلامی جای خود را به پرخاشگری و طرد مخالفان بدهد، شیرازه اخوت از هم می‌پاشد. پیامبر اکرم (ص) جامعه مؤمنین را در دوستی و مهربانی، به «یک‌پیکر» (جسد واحد) تشبیه کرده‌اند. اعضای یک بدن هر یک شکل و کارکرد متفاوتی دارند، اما در کنار هم مایه حیات انسان‌اند. برای رسیدن به این پیکر منسجم، نیازی به قطع کردن اعضایی که متفاوت عمل می‌کنند نیست. تا زمانی که اخلاق، انصاف و احترام به تفاوت‌آرا جایگزین چماق «وحدت اجباری» نشود، نمی‌توان به هم‌بستگی پایدار دست یافت. وحدت حقیقی از مسیر حریت، سعه صدر و عبور از منیت‌ها و حول ارزش‌ها می‌گذرد، نه از مسیر سرکوب، توهین و خودمحور پنداری.

پاسداشت چهلمین روز شهادت دکتر علی لاریجانی

در آستانه چهلمین روز شهادت دکتر علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در حمله جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی، مزار او و فرزند شهیدش در جوار حرم کریمه اهل بیت (ع) حضرت فاطمه معصومه (س) زیارتگاه عاشقان و باورمندان مکتب جهاد و مقاومت شده است. شهید لاریجانی در دوره اخیر مسئولیت دبیری شعام، رویکرد و رفتاری انقلابی در پیش گرفت و نترازی از مدیر جمهوری اسلامی را به یادگار گذاشت. شجاعت او در برابر متجاوزان به کشور و تأکید بر عدم پذیرش تسلیم مقابل آمریکا، حضور میدانی در راه‌پیمایی ۲۲ بهمن در میانه تهدیدات صهیونیست‌ها و همچنین ظهور و بروز رسانه‌ای شگفت‌انگیز در ایام پس از شهادت قائد امت، محبوبیتی کم‌سابقه برای او آفرید و در نهایت او را لایق مدال شرافت و شهادت در راه سربلندی ایران و اسلام قرار داد. مراسم پاسداشت این شهید والامقام روز جمعه ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ از نماز مغرب و عشا در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)، شبستان امام خمینی (ره)، برگزار خواهد شد.

۱۲۸ **کشیور** در فوریه ۲۰۲۶، قیمت بنزین در ۱۲۸ کشور جهان جهش بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. این داده‌ها که بر پایه اطلاعات «گلوبال پترول پرایسرز» تهیه شده‌اند، تغییرات قیمت سوخت در ۱۲۸ کشور را طی کمتر از دو ماه رصد کرده‌اند؛ تغییراتی که در برخی کشورها به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده و اقتصاد جهانی را با موجی تازه از تورم و نااطمینانی روبه‌رو کرده است. در جنوب شرق آسیا و برخی کشورهای آفریقایی، افزایش قیمت بنزین به بیش از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد رسیده است. حتی در اقتصادهای بزرگ مانند آمریکا نیز هزینه سوخت به شدت افزایش یافته و میلیاردها دلار به مصرف‌کنندگان تحمیل کرده است.

۲۰ درصد شرکت هواپیمایی «یونایتد ایرلاینز» آمریکا اعلام کرد که قیمت بلیت‌های خود را به دلیل افزایش چشمگیر هزینه سوخت جت، ۲۰ درصد افزایش خواهد داد. این تصمیم در شرایطی اتخاذ می‌شود که قیمت سوخت جت به دلیل جنگ ایران به بالاترین سطح خود در چند سال اخیر رسیده و فشار زیادی بر هزینه‌های عملیاتی یونایتد ایرلاینز در بیانه‌ای تأکید کرده‌اند که افزایش قیمت سوخت، به‌ویژه در ماه‌های اخیر، به‌شدت بر سودآوری شرکت تأثیر گذاشته و آن‌ها را ناگزیر به اتخاذ چنین تصمیمی کرده است. آن‌ها همچنین اشاره کرده‌اند که با توجه به نوسانات بازار انرژی، احتمال دارد سایر شرکت‌های هواپیمایی نیز ناچار به افزایش قیمت بلیت‌ها شوند.

۳۸ هزار میلیارد تومان رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی از وصول ۳۸ همت مالیات از محل کتمان درآمد خبر داد. محمدرضا احمدی با بیان اینکه در سال گذشته ۹۴۳ مورد بازرسی مالیاتی انجام شده است، افزود: در راستای بررسی اسناد از بازرسی‌های مالیاتی، بیش از ۱۴ هزار و ۷۰۰ برگ تشخیص مالیاتی به مبلغ ۱۱ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان و بیش از ۲۴۰۰ برگ قطعی به مبلغ ۱۰ هزار میلیارد تومان صادر شده و در مجموع، در سال ۱۴۰۴ حدود ۳۸۵ هزار و ۷۰۸ میلیارد ریال از محل کتمان درآمد وصول شده است. همچنین با مشارکت مردم، بیش از ۲۰ هزار گزارش در حوزه فرار مالیاتی دریافت شده که به شناسایی ۱۳۳۱ مؤدی جدید و منجر شده است.

۸۷ میلیون نفر معاون رفاه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: در حال حاضر ۸۶ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر کالابرگ دریافت می‌کنند که ۹۸ درصد از این افراد از کالابرگ خود استفاده کرده‌اند و ۲ درصد باقی‌مانده نیز تا پایان اردیبهشت‌ماه می‌توانند از آن خرید کنند. یعقوب اندایش با اعلام اینکه امسال ۹۹۶ هزار میلیارد تومان برای اجرای کالابرگ در نظر گرفته شده است، افزود: ۸۰۰ هزار نفر در کشور هستند که هیچ‌گونه ثبت‌نام و درخواستی برای کالابرگ و یارانه نداشته‌اند. او با اشاره به اینکه مرحله جدید کالابرگ از ۱۵ اردیبهشت اجرایی خواهد شد، گفت: با توجه به افزایش قیمت برخی اقلام موجود در کالابرگ، وزارت تعاون پیشنهاد افزایش اعتبار کالابرگ را به دولت ارائه کرده است.

سفره مردم زیر فشار بی‌نظارتی؛

قیمت مرغ در حال پرواز است

بازار گوشت مرغ در روزهای اخیر با افزایش شدید قیمت‌ها مواجه شده است؛ به‌طوری‌که قیمت هر کیلو مرغ آماده‌مصرف اکنون به ۳۷۰ تا ۳۸۰ هزار تومان رسیده که نسبت به دو ماه گذشته افزایشی نزدیک به ۷۰ درصد داشته است. قیمت تخم‌مرغ نیز از شان‌ای ۳۰۰ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان رسیده که رشدی ۶۶ درصدی را تجربه کرده است.

علت گرانی از نظر وزارت جهاد کشاورزی

اکبر فتحی، معاون وزیر جهاد کشاورزی می‌گوید: افزایش قیمت مرغ و تخم‌مرغ به علت بالا رفتن هزینه‌های تولید، از جمله تغییرات نرخ ارز واردات نهاده‌ها، افزایش حقوق گمرکی و رشد هزینه‌های حمل‌ونقل و دستمزدها بوده و مصداق گران‌فروشی نیست. او افزود: قیمت‌گذاری جدید برای مرغ و تخم‌مرغ به دلیل عواملی چون تغییر نرخ ارز برای واردات نهاده‌ها، افزایش حقوق گمرکی و همچنین رشد ۳۰ درصدی هزینه‌های حمل‌ونقل و ۶۰ درصدی دستمزدها در سال جدید صورت گرفته است.

براساس داده‌های ارائه‌شده از سوی فعالان صنعت و بررسی روند قیمت کتجاله سویا نیز از رشد چندمرحله‌ای حکایت دارد؛ به‌طوری‌که قیمت کتجاله سویا از حدود ۲۰ هزار تومان در بهمن‌ماه گذشته به ۶۰ تا ۶۲ هزار تومان در مرحله اول و سپس به ۹۰ هزار تومان رسید. این در حالی است که رقم این کالا در سامانه بازارگاه تا حدود ۱۱۰ هزار تومان ثبت شده و در بازار آزاد در محدوده ۱۳۵ تا ۱۴۵ هزار تومان معامله می‌شود. فعالان صنعت معتقدند این افزایش هزینه‌ها به‌صورت مستقیم در قیمت تمام‌شده مرغ تأثیر گذاشته و بدون تأمین سرمایه در گردش یا تسهیلات بانکی، ادامه فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی با دشواری همراه خواهد بود.

با این حال، خبرها حاکی از آن است که دولت مسویر واردات خوراک طیور از شمال کشور را فعال‌تر کرده و یک محموله بزرگ وارد کشور شده است. این اقدام می‌تواند تأمین نهاده‌ها را بهبود دهد و در کوتاه‌مدت از شدت رشد قیمت‌ها بکاهد. کارشناسان معتقدند در صورت تداوم روند فعلی افزایش هزینه نهاده‌ها و عدم دسترسی کافی تولیدکنندگان به سرمایه در گردش، احتمال کاهش تولید در ماه‌های آینده وجود دارد. با کاهش عرضه در مرغ و تخم‌مرغ روبه‌رو شود و قیمت‌ها مسیر صعودی پیدا کنند. بسیاری از فعالان صنعت معتقدند اگر ثبات در تأمین نهاده‌ها و ارز وارداتی برقرار شود، بخش مهمی از فشار فعلی از بازار برداشته خواهد شد.

مؤبریزنجیره توزیع یکی از عوامل اصلی افزایش فاصله قیمت تولید تا مصرف است. فعالان صنعت طیور می‌گویند قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ که سال گذشته حدود ۲۵۰ هزار تومان برآورد می‌شد، اکنون به حدود ۷۰۰ هزار تومان افزایش یافته است. در بازار مصرف نیز قیمت هر کیلوگرم مرغ آماده‌طبخ از حدود ۳۳۰ تا ۳۵۰ هزار تومان در دو هفته گذشته به ۳۷۰ تا ۳۸۰ هزار تومان رسیده و در برخی موارد نرخ‌های بالاتری نیز مشاهده می‌شود.

ناصر نبی‌پور، رئیس زنجیره تولید تخم‌مرغ استان قزوین، در گفت‌وگو با خبرنگار نوبند، افزایش هزینه نهاده‌های تولید را مهم‌ترین عامل رشد قیمت‌ها عنوان کرد و گفت: قیمت نهاده‌ها پس از اجرای سیاست ارزی دولت حدود ۴۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است؛ قیمت ریزمغذی‌ها هم به‌صورت افسارگسیخته بالا رفت. اگرچه دولت قیمت‌ها را راه‌سازی کرد، اما هیچ امکانات و تسهیلاتی در اختیار تولیدکنندگان قرار نگرفت. وی با اشاره به آزادسازی یک‌باره قیمت‌ها تصریح کرد: بعد از افزایش ناگهانی قیمت نهاده‌ها، مرغداران نقدینگی لازم برای تأمین خوراک مرغ را در اختیار نداشتند و با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم کردند. طبق وعده مسئولان، مرغداران در حجم زیادی جوهریزی کردند و یک‌باره قیمت مرغ افت پیدا کرد؛ تا حدی که هر کیلو مرغ زنده را ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان در ابتدای اسفندماه به فروش رساندند، اما عدم حمایت از این قشر، قیمت مرغ زنده امروز را به ۱۲۰ تا ۱۲۵ هزار تومان برای هر کیلو رسانده است؛ این موضوع ناشی از عرضه پایین است. نبی‌پور ادامه داد: مرغدار جوجه ۲۰ هزار تومانی بهمن‌ماه را امروز ۱۰۰ هزار تومان خریداری می‌کند. سال گذشته قیمت تمام‌شده مرغ در نهایت ۲۵۰ هزار تومان بود، اما در حال حاضر این عدد به ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. با چنین شرایطی مرغداران امکان تولید ندارند و روند افزایشی قیمت مرغ همچنان ادامه خواهد داشت.



سیده راضیه طاهریان

روزنامه‌نگار

مرغ کامل یک کیلو و ۷۰۰ گرمی با قیمت‌هایی تا ۹۸۰ هزار تومان در برخی بسترهای فروش اینترنتی نیز مشاهده شده است. در حالی که مسئولان از وفور عرضه سخن می‌گویند اما روند قیمت‌ها در بازار افزایشی بوده و فاصله میان نرخ تولید تا مصرف افزایش یافته است؛ همین موضوع توان خرید مردم را به‌شدت کاهش داده است.

مرغ زیاد است اما گران!

گرانی مرغ و کالاهای اساسی از دید دولت نیز پنهان نمانده است؛ تا جایی که در روزهای گذشته فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در اظهاراتی با اشاره به وضعیت بازار اعلام کرد: «در بسیاری از بخش‌ها وفور کالا وجود دارد، هرچند در برخی موارد شاهد افزایش قیمت‌ها بوده‌ایم که بخشی از آن به شرایط جنگی و فشارهای ناشی از آن بازمی‌گردد.» این در حالی است که فعالان بازار معتقدند اگر عرضه در سطح مناسب قرار داشته باشد، نوسانات شدید قیمت در خرده‌فروشی‌ها نباید رخ دهد. به گفته برخی فعالان صنفی، نبود نظارت

افزایش ۵ برابری قیمت نهاده‌ها

سید فرزاد طلاکش، رئیس فدراسیون طیور کشور، رشد قیمت نهاده‌های وارداتی از خوراک دام گرفته تا واکسن و دارو را مهم‌ترین عامل گرانی می‌داند. او می‌گوید: قیمت بعضی نهاده‌ها تا ۵ برابر افزایش یافته است. این رشد ناگهانی، هزینه تولید را به‌طور مستقیم بالا برده و بخشی از مرغداران را در اسفند ماه به کاهش جوجه‌ریزی وادار کرده است.

گزارش کوتاه

بازار زیرزمینی «اسکناس نو» داغ شد

چند روزی است که اطراف چهارراه استانبول و میدان فردوسی حال‌وهوایی متفاوت دارد؛ رفت‌وآمدها آرام‌تر، نگاه‌ها دقیق‌تر و معامله‌ها پنهان‌تر شده‌اند. این بار موضوع نه دلار است و نه سکه؛ پای اسکناس‌نور میان است. بسته‌هایی که همیشه نزدیک عید مشتری داشتند، حالا در میانه روزهای پراضطراب نقدینگی به کالایی کمیاب و گران‌قیمت تبدیل شده‌اند. افزایش تقاضای مردم برای دریافت وجه نقد از بانک‌ها، چه به دلیل نگرانی‌های عمومی نسبت به آینده اقتصادی و چه به خاطر نگرانی از شرایط خاص منطقه‌ای، باعث شده شعب بانکی این روزها شلوغ‌تر از همیشه باشند. اما در طرف مقابل، بانک‌ها به دلیل محدودیت در توزیع اسکناس، توان پاسخ‌گویی کامل به این تقاضا را ندارند. همین‌طور، فرصت تازه‌ای برای شکل‌گیری بازاری غیررسمی ایجاد کرده؛ بازاری که حالا در خیابان و فضای مجازی فعال است.

در پیاده‌روهای باریک اطراف صرافی‌های قدیمی، معامله‌ها با صدای آهسته انجام می‌شود. مردی که کلاه لبه‌دارش را پایین کشیده، زیر لب قیمت می‌دهد: «بسته پنجاه‌هزاری نومی خوام؟ نه میلیون.» بسته‌ای که ارزش واقعی آن پنج میلیون تومان است، حالا نزدیک به دو برابر قیمت معامله می‌شود.

اما این بازار فقط به خیابان محدود نیست. در پلتفرم‌های آنلاین مانند دیوار نیز آگهی‌های متعددی برای فروش بسته‌های اسکناس نو دیده می‌شود. فروشندگان با عباراتی مانند «شماره خشک»، «کاملاً بانکی» یا «پلمپ» سعی می‌کنند ارزش کالای خود را بالاتر نشان دهند. در یکی از آگهی‌ها، بسته ایران چک ۵۰ هزار تومانی حدود ۹ تا ۱۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده و حتی پیشنهادهایی برای خرید نیز بر آن ثبت شده است. در آگهی دیگری، فروشنده‌ای «تراول ۵۰ هزار تومانی کاملاً نو» را به بیش از ۱۵ میلیون تومان قیمت گذاشته است. حتی بسته‌های اسکناس ۱۰ هزار تومانی نیز با قیمتی بالاتر از ارزش واقعی معامله می‌شوند.

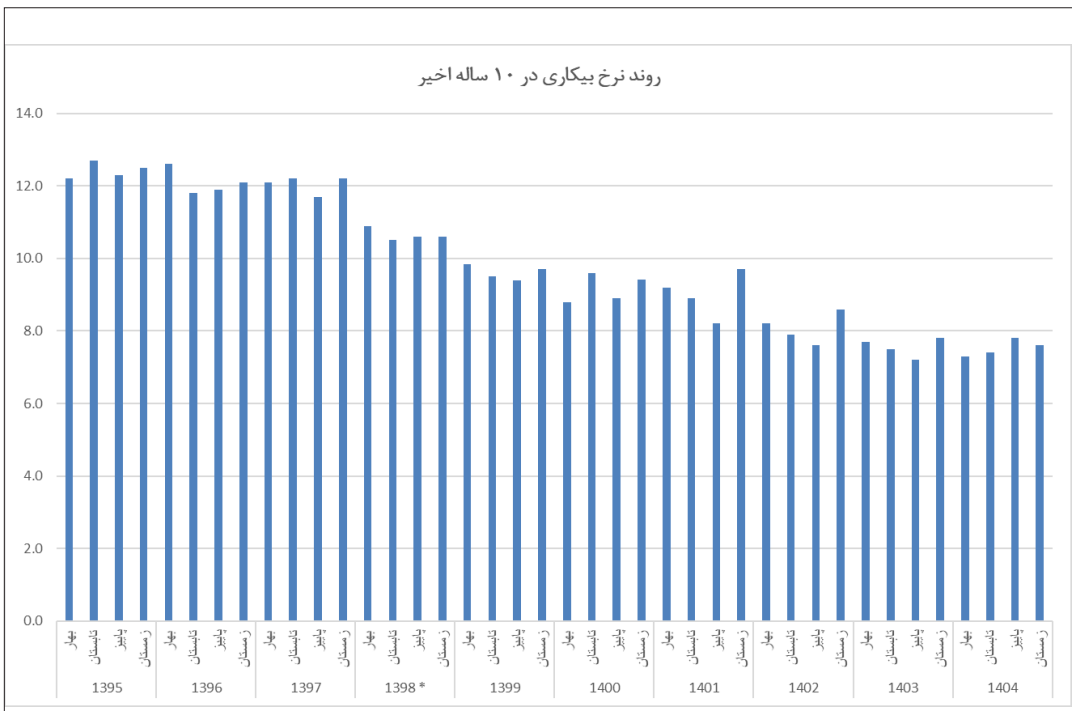
در گروه‌های تلگرامی خرید و فروش نیز معامله‌ها سریع‌تر انجام می‌شود. کافی است پیامی مانند «۱۰ بسته اسکناس ۲۰۰۰ تومانی کامل بانکی موجود» منتشر شود تا چند ثانیه بعد اولین پرسش خریداران برسد: قیمت؟ یکی از فروشندگان در پاسخ به علت گرانی می‌گوید: بانک‌ها کمتر می‌دن، مردم هم می‌خوان پول نقد داشته باشن. بازار خودش قیمت می‌سازد. در چنین شرایطی، اسکناس نو دیگر فقط برای هدیه دادن یا عیدی دادن کاربرد ندارد؛ بسیاری آن را به عنوان ذخیره نقدی یا ابزار معاملات سریع می‌خرند. همین موضوع باعث شده هر بسته‌ای که هنوز پلاستیک بانکی روی آن مانده، به کالایی سودآور تبدیل شود. در مسیر بازار گشت از چهارراه استانبول، تصویر بسته‌های منظم و پلمپ‌شده در ذهن می‌ماند؛ نمادی از بازاری بی‌تاب‌و اما پرگردش که زیرپوست شهر شکل گرفته است. بازاری که نشان می‌دهد کمبود رسمی اسکناس چگونه می‌تواند راه را برای دلالی و قیمت‌سازی باز کند؛ حتی برای ساده‌ترین شکل پول، یعنی خود اسکناس.

بررسی گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد:

کاهش بیکاری با «اثر دلسردی»

با اینکه نرخ بیکاری کاهش یافته است، اما به دلیل پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی و افزایش اشتغال‌های کم‌کیفیت، نمی‌توان این کاهش

را نشانه‌ای از بهبود جدی در بازار کار دانست. همچنین نرخ بیکاری جوانان و فارغ‌التحصیلان همچنان بالاست.



نیماسهیلی

روزنامه نگار

مرکز آمار ایران گزارش نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در زمستان ۱۴۰۴ را منتشر کرد که تصویری نسبتاً دقیق از وضعیت بازار کار را ارائه می‌دهد؛ تصویری که در آن اگرچه نرخ بیکاری کاهش داشته است، اما همچنان نشانه‌های مهمی از ضعف ساختاری، به‌ویژه در حوزه اشتغال پایدار و بیکاری جوانان، به چشم می‌خورد.

در زمستان ۱۴۰۴، جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) به حدود ۶۶.۴ میلیون نفر رسیده که از این میان، ۲۶.۳ میلیون نفر در زمره جمعیت فعال اقتصادی قرار دارند و نرخ مشارکت اقتصادی ۳۹.۷ درصدی است؛ نرخی که نسبت به زمستان سال قبل ۰.۴ واحد درصد کمتر شده است. این کاهش نشان می‌دهد بخشی از جمعیت، از بازار کار خارج شده و به جمعیت غیرفعال پیوسته‌اند. به بیان دیگر، کاهش نرخ مشارکت لزوماً نشانه بهبود نیست، بلکه می‌تواند حاکی از ناامیدی از یافتن شغل باشد.

جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در فصل زمستان ۲۴ میلیون و ۳۵۳ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل، حدود ۵۷ هزار نفر افزایش یافته اما جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی (اعم از افراد محصل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار مانند بازنشستگان و ...) ۴۰ میلیون و ۹۷ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل، حدود ۸۱۰ هزار نفر افزایش داشته است.

در همین چارچوب، نسبت اشتغال نیز به ۳۶.۶ درصد رسیده که آن هم کاهش ۰.۴ واحد درصدی را تجربه کرده است.

این همزمانی کاهش در نرخ مشارکت و نسبت اشتغال نشان می‌دهد که بازار کار نه تنها در جذب نیروی جدید موفق نبوده، بلکه حتی در حفظ سطح اشتغال نیز با چالش مواجه است.

با این حال، نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۴ به ۷.۶ درصد رسیده که نسبت به زمستان ۱۴۰۳، کاهش ۰.۲ واحد درصدی را نشان می‌دهد. در نگاه اول، این کاهش می‌تواند نشانه‌ای مثبت تلقی شود، اما در ترکیب با افت نرخ مشارکت، تفسیر متفاوتی پیدا می‌کند. در واقع، بخشی از کاهش نرخ بیکاری نه ناشی از ایجاد فرصت‌های شغلی، بلکه ناشی از خروج افراد جویای کار از بازار کار است. این همان پدیده‌ای است که در ادبیات اقتصادی به «اثر دلسردی» معروف است.

یکی از مهم‌ترین نکات نگران‌کننده گزارش، وضعیت بیکاری در میان جوانان است. نرخ بیکاری گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به ۲۱.۲ درصد رسیده که نسبت به سال قبل افزایش ۰.۲ واحد درصدی داشته است. این رقم نشان می‌دهد بیش از یک پنجم جمعیت فعال جوان کشور بیکار هستند؛ موضوعی که می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی از جمله افزایش مهاجرت، کاهش سرمایه انسانی و گسترش مشاغل غیررسمی را به دنبال داشته باشد.

در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز نرخ بیکاری ۱۵.۱ درصد ثبت شده که آن هم روندی افزایشی دارد. این موضوع نشان می‌دهد مشکل بیکاری صرفاً محدود به ورود اولیه به بازار کار نیست، بلکه در سال‌های بعدی نیز تداوم دارد و فرصت‌های شغلی متناسب با تحصیلات و مهارت‌ها به اندازه کافی ایجاد نشده‌اند.

نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی ۱۰ درصد گزارش شده که اگرچه نسبت به سال قبل ۰.۷ واحد درصد کاهش یافته، اما همچنان قابل توجه است. همچنین سهم فارغ‌التحصیلان از کل بیکاران ۳۶.۶ درصد است؛ یعنی بیش از یک سوم بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. این موضوع به روشنی نشان‌دهنده عدم تطابق نظام آموزشی با نیازهای بازار کار و ضعف در ایجاد اشتغال تخصصی است.

در سمت دیگر بازار، بررسی ساختار اشتغال نشان می‌دهد که بخش خدمات با سهم ۵۴.۲ درصدی، همچنان بزرگ‌ترین بخش اشتغال کشور است. پس از آن، صنعت با ۳۲.۵ درصد و کشاورزی با ۱۳.۲ درصد قرار دارند. نکته مهم این است که سهم بخش خدمات و کشاورزی افزایش یافته در حالی که سهم صنعت کاهش داشته است. این تغییر ترکیب می‌تواند نشانه‌ای از کاهش فعالیت‌های تولیدی و صنعتی و حرکت به سمت اقتصاد خدمات محور باشد؛ روندی که در صورت نبود زیرساخت‌های لازم، ممکن است به کاهش کیفیت اشتغال منجر شود.

یکی دیگر از شاخص‌های مهم، اشتغال ناقص است که به ۸.۲ درصد رسیده و نسبت به سال قبل افزایش یافته است. اشتغال ناقص به افرادی اشاره دارد که کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند اما مایل و آماده برای کار بیشتر هستند. افزایش این شاخص نشان‌دهنده گسترش اشتغال ناپایدار و کم‌درآمد است که کیفیت بازار کار را تضعیف می‌کند. این در حالی است که ۳۶.۹ درصد از شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر، بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار کرده‌اند.



بهبود ظاهری و تضعیف پنهان در بازار کار

داده‌های زمستان ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که بازار کار ایران با نوعی «بهبود ظاهری و تضعیف پنهان» مواجه است. کاهش نرخ بیکاری در کنار افت مشارکت اقتصادی، افزایش بیکاری

جوانان، رشد اشتغال ناقص و سهم بالای فارغ‌التحصیلان بیکار، همگی نشانه‌هایی از چالش‌های عمیق ساختاری هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری در این حوزه نیازمند تمرکز بر ایجاد اشتغال پایدار، ارتقای مهارت‌ها، تقویت بخش تولید و کاهش ناهماهنگی بین نظام آموزشی و بازار کار است؛ در غیر این صورت، بهبودهای آماری کوتاه‌مدت نمی‌تواند به بهبود واقعی وضعیت اشتغال در کشور منجر شود.

گزارش کوتاه

وقتی بانک مرکزی فقط تماشا می‌کند

بانک مرکزی ۱۹ اسفندماه سال گذشته و در روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی سوم، در بخشنامه‌ای به شبکه بانکی ابلاغ کرد. براساس مصوبه هیئت عالی بانک مرکزی، دریافت وجه التزام تأخیر تأدیه دین از تمام تسهیلات ازدواج، فرزندآوری، ودیعه مسکن و سایر تسهیلات تا سقف ۷۰۰ میلیون تومان، از نهم اسفند ۱۴۰۴ تا نهم اردیبهشت سال، مشمول بخشودگی است. اما بانک‌ها از اجرای این دستورالعمل خودداری کرده‌اند. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که برخی بانک‌ها همچنان جریمه دیرکرد را محاسبه و از حساب مشتریان اخذ می‌کنند؛ اقدامی که نه تنها با روح بخشنامه در تضاد است، بلکه موجب نارضایتی وام‌گیرندگان شده است. در برخی موارد حتی اعلام شده است که بانک‌ها از مشتریان خواسته‌اند اقساط خود را تا پایان فروردین تسویه کنند و در صورت عدم پرداخت، مبالغ مربوطه از حساب ضامن برداشت خواهد شد و گزارش منفی نیز به شرکت‌های اعتبارسنجی ارسال می‌شود. در واکنش به این وضعیت، بانک مرکزی در روزهای گذشته بار دیگر همان بخشنامه را به شبکه بانکی ابلاغ کرده و خواستار اجرای دقیق آن شده است. عباس مرادپور، معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی، نیز ۳۱ فروردین‌ماه در نشست با مدیران عامل بانک‌ها بر ضرورت اجرای کامل بخشنامه‌های ابلاغی تأکید کرد و از بانک‌ها خواست توجه ویژه‌ای به بخشش وجه التزام تأخیر تأدیه دین برای تسهیلات زیر ۷۰۰ میلیون تومان داشته باشند.

مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در گفت‌وگو با خبرنگار نوبید درباره بخشنامه بانک مرکزی برای بخشودگی جریمه دیرکرد، اظهار کرد: متأسفانه بانک‌ها عملاً به این بخشنامه توجهی کردند و این جریمه‌ها را از مشتریان گرفتند. وی افزود: همین دیروز موردی به من مراجعه کرد که بانکی اصل پول و سود وام را از مشتری گرفته و قرار بود جریمه را ببخشد، اما در نهایت این کار انجام نشد. این در حالی است که بانک مرکزی هم در این شرایط بخشنامه داده که جریمه‌ها گرفته نشود و واقعاً این موضوع جای تعجب دارد که چرا بانک‌ها اجرا نمی‌کنند.

لاهوتهی گفت این موضوع نشان‌دهنده ضعف بانک مرکزی است. البته در شرایط جنگی باید به گونه‌ای عمل کنیم که بانک‌ها هم دچار مشکل و زیان نشوند و این حرف درستی است، اما سیاست‌گذار این حوزه بانک مرکزی است و بانک‌ها باید تابع آن باشند. وقتی بانک مرکزی دستور یا بخشنامه‌ای ابلاغ می‌کند و بانک‌ها به آن عمل نمی‌کنند، این نشان‌دهنده ضعف در نظارت بانک مرکزی است. این نهاد باید تسلط لازم بر شبکه بانکی داشته باشد و بر اجرای سیاست‌ها نظارت کند. با این حال، ما این موضوع را از طریق مجلس پیگیری خواهیم کرد و امیدواریم با نظارت بیشتر، بانک‌ها به دستورالعمل‌های بانک مرکزی عمل کنند.

بین الملل

نسل Z آمریکا خواستار بازنگری در روابط با اسرائیل هستند

نظرسنجی اخیر دانشکده علوم سیاسی دانشگاه هاروارد، تغییر قابل توجهی در نگرش جوانان آمریکایی موسوم به نسل Z را نسبت به سیاست خارجی این کشور نشان می‌دهد، به طوری که بخش بزرگی از آنها رابطه ایالات متحده با رژیم اسرائیل را یک بار اضافی می‌دانند تا یک مزیت. نتایج این نظرسنجی شکاف آشکاری را در نگرش جوانان آمریکایی نسبت به ائتلاف‌ها و مداخلات خارجی نشان داد، به طوری که ۴۶ درصد از آنها ائتلاف با رژیم اسرائیل و مداخلات خارجی دولت آمریکا را باری بردوش ایالات متحده می‌دانند، در حالی که تنها ۱۶ درصد از آنها، این سیاست را مفید می‌دانند. تحلیلگران معتقدند که این نتایج نشان‌دهنده تغییر عمیقی در روحیه سیاسی جوانان آمریکایی به ویژه در مورد مداخلات نظامی دیرینه واشنگتن است.

این تغییر نشان‌دهنده کاهش مقبولیت عمومی نسبت به ائتلاف‌های تاریخی، به ویژه آنهایی که با درگیری‌های نظامی مستقیم مرتبط هستند، در سایه درخواست‌های فزاینده جوانان برای تغییر اولویت‌های ملی و فاصله گرفتن از سیاست‌های حمایت بی‌قید و شرط واشنگتن [از متحدان سنتی خود از جمله اسرائیل] است که از سال ۲۰۲۲، مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات «پیو» این درخواست‌ها را مستند کرده‌اند. بر اساس گزارش مراکز تحقیقاتی، با افزایش شکاف نسلی و حزبی به ویژه بین جوانان و پایگاه دموکرات‌ها، اجماع آمریکایی‌ها در حمایت از رژیم اسرائیل از زمان طوفان الاقصی رو به کاهش بوده است.



تیراندازی در مراسم دولتی آمریکا رسوایی به بار آورد

لرزش کاخ سفید با صدای گلوله



تیراندازی در شام خبرنگاران کاخ سفید، مراسمی را که قرار بود نماد اقتدار و ثبات سیاسی آمریکا باشد، به صحنه‌ای از آشفتگی، فرار و وحشت تبدیل کرد؛ جایی که جی‌دی ونس و مارکو روبریو بلافاصله سالن را ترک کردند و دونالد ترامپ نیز در میان حلقه محافظانش با شتاب از محل خارج شد؛ رخدادی که بار دیگر ضعف امنیتی و سیاسی ایالات متحده را در برابر چشم جهانیان به نمایش گذاشت.

مهم‌ترین گردهمایی سیاسی-رسانه‌ای آمریکا، آن هم در حضور عالی‌ترین مقامات این کشور، حامل پیامی روشن است؛ جامعه آمریکا بیش از هر زمان دیگری دچار شکاف، تنش و بی‌ثباتی شده است. کشوری که دهه‌ها ناامنی و جنگ را به ملت‌های دیگر صادر کرده، امروز خود درگیر ناامنی در مرکز قدرتش است.

هدف این اقدام، هرچه بوده باشد، یک حقیقت را برجسته کرد: همینه امنیتی آمریکا بیش از آنکه واقعی باشد، تبلیغاتی است. ساختاری که با کوچک‌ترین تهدید، عالی‌ترین مقاماتش راه فرار را در پیش می‌گیرند، نمی‌تواند ادعای مدیریت امنیت جهانی داشته باشد.

طنز تلخ ماجرا اینجاست که این حادثه دقیقاً در مراسمی رخ داد که قرار بود نماد آزادی رسانه‌ها و ثبات دموکراسی آمریکایی باشد. اما با شنیده شدن صدای گلوله، همه چیز رنگ باخت؛ از شعارهای آزادی گرفته تا نمایش اقتدار. آنچه باقی ماند، تنها صحنه فرار مقامات و وحشت حاضران بود.

این حادثه بار دیگر نشان داد آمریکا، برخلاف تصویرسازی‌های هالیوودی و رسانه‌ای، از درون با بحرانی عمیق روبه‌روست. امپراتوری‌ای که سال‌ها برای دیگران نسخه امنیت می‌پچید، امروز حتی قادر نیست یک مراسم رسمی را بدون اضطراب و تیراندازی برگزار کند. این، چهره واقعی آمریکاست؛ قدرتی متزلزل، نگران و گرفتار در گرداب بحران‌های خود ساخته.

رفتند و برنامه رسمی عملاً از کنترل خارج شد. این همان آمریکایی است که سال‌ها خود را الگوی امنیت و ثبات برای جهان معرفی می‌کند.

بر اساس این گزارش، جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، و مارکو روبریو، وزیر خارجه این کشور، در همان دقایق ابتدایی به کمک محافظان خود از سالن فرار کردند. اندکی بعد نیز مأموران سرویس مخفی، دونالد ترامپ را در حلقه‌ای از محافظان، با شتاب از محل خارج کردند. تصاویر این خروج عجولانه، به خوبی نشان داد که پشت ژست‌های اقتدار واشنگتن، چه میزان نگرانی و آسیب‌پذیری نهفته است. تا جاییکه ترامپ در مسیر فرار تعادل خود را از دست داد و بر زمین پرتاب شد.

پایگاه خبری میدل ایست آی نیز در گزارشی تأکید کرد که ترامپ پس از انتقال به محل امن، تلاش کرد این حادثه را کم‌اهمیت جلوه دهد و اعلام کرد تیراندازی، او را از پیگیری سیاست‌هایش، به ویژه در قبال ایران، منصرف نخواهد کرد. با این حال، واقعیت صحنه چیز دیگری بود؛ رئیس‌جمهوری که تنها دقایقی قبل، تحت شدیدترین تدابیر امنیتی از مراسم گریخته بود، به خوبی با واقعیت ناامنی در قلب آمریکا روبه‌رو شد.

اما این حادثه، فراتر از یک اختلال امنیتی ساده بود. وقوع چنین رویدادی در

احسان میرباقری

روزنامه‌نگار



شکاف و تنش در قلب واشنگتن

تیراندازی در کاخ سفید، فراتر از یک اختلال امنیتی ساده بود. وقوع چنین رویدادی در مهم‌ترین گردهمایی سیاسی-رسانه‌ای آمریکا، آن هم در حضور عالی‌ترین مقامات این کشور، حامل پیامی روشن است؛ جامعه آمریکا بیش از هر زمان دیگری دچار شکاف، تنش و بی‌ثباتی شده است. کشوری که دهه‌ها ناامنی و جنگ را به ملت‌های دیگر صادر کرده، امروز خود درگیر ناامنی در مرکز قدرتش است.

یادداشت

ایران و آمریکا در نبرد تاب‌آوری

محسن پورادافر
روزنامه‌نگار

جنگ و تقابل آمریکا علیه ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری وارد مرحله «تاب‌آوری» شده است؛ مرحله‌ای که در آن نه موشک و ناو، بلکه اراده ملت‌ها، استحکام اقتصادها و ظرفیت تحمل فشارها، سرنوشت نبرد را تعیین می‌کند. در این میدان، آنکه بیشتر دوام بیاورد، پیروز نهایی خواهد بود.

آمریکا طی دهه‌های گذشته تلاش کرده است با بهره‌گیری از ابزار تحریم، فشار اقتصادی و جنگ روانی، توان مقاومت ملت ایران را در هم بشکند. هدف واشنگتن روشن است؛ کاهش تاب‌آوری داخلی و وادار کردن ایران به عقب‌نشینی از مواضع اصولی خود. اما تجربه نزدیک به نیم قرن گذشته نشان داده است که این محاسبه، از اساس غلط بوده است. ایران کشوری نیست که با چند تحریم و فشار اقتصادی از پای درآید. ملتی که هشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته و دهه‌ها شدیدترین تحریم‌های آمریکا و اروپا را تحمل کرده، امروز نه تنها پابرجاست، بلکه در بسیاری از عرصه‌های علمی، نظامی و فناوری به پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای دست یافته است.

در سوی دیگر، آمریکا قرار دارد؛ کشوری که اقتصادش به شدت به ثبات بازار انرژی وابسته است. اختلال در تنگه هرمز، این شریان حیاتی تجارت جهانی، قیمت انرژی را به شکل سرسام‌آوری افزایش داد و موجی از گرانی را در بازارهای آمریکا به راه انداخت. «راس میفیلد»، تحلیلگر ارشد سرمایه‌گذاری در شرکت «برد» (Baird)، صراحتاً اعلام کرده است که آمریکایی‌ها بیش از آنچه تصور می‌کنند در معرض خطر قرار دارند و خارج کردن اقتصاد آمریکا از چنین وضعیتی بسیار دشوار خواهد بود. این هشدار، اعترافی روشن به حساس بودن ساختار اقتصادی آمریکا است.

واقعیت آن است که جامعه آمریکا برای تحمل شوک‌های سنگین انرژی و اختلالات گسترده زنجیره تأمین آمادگی لازم را ندارد. افزایش بهای بنزین، گاز و کالاهای اساسی، به سرعت نارضایتی اجتماعی و سیاسی را در این کشور تشدید می‌کند. دولتمردان واشنگتن به خوبی می‌دانند که افکار عمومی آمریکا تاب تحمل یک بحران طولانی مدت را ندارد.

در مقابل، ایران سال‌هاست اقتصاد خود را با شرایط فشار و تحریم تطبیق داده است. اقتصاد مقاومتی، توسعه ظرفیت‌های داخلی و تجربه عبور از بحران‌های متعدد، توان ایران را برای ادامه این نبرد فرسایشی به مراتب افزایش داده است. جمهوری اسلامی نه تنها می‌تواند فشارها را تحمل کند، بلکه ابزارهای مؤثری نیز برای افزایش هزینه‌های طرف مقابل در اختیار دارد. از همین روست که ترامپ، برخلاف لفاظی‌های همیشگی، از ورود به هرگونه جنگ مجدد با ایران پرهیز می‌کند. او به خوبی می‌داند که آغاز درگیری با ایران، پایان آن در اختیار آمریکا نخواهد بود. واشنگتن ترجیح می‌دهد با حفظ فشار اقتصادی، ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، نه آنکه خود را درگیر بحرانی کند که تبعات آن می‌تواند باب‌المنذب را نیز ببندد و اقتصاد جهانی و به ویژه آمریکا را به لرزه درآورد.

در این نبرد اراده‌ها، کفه ترازو به سود ملتی است که آزمون‌های سخت‌تری را پشت سر گذاشته است. ایران نشان داده که در برابر فشار تسلیم نمی‌شود. آمریکا اما هنوز برای تحمل هزینه‌های یک رویارویی واقعی آماده نشده است. این همان واقعیتی است که معادلات آینده را رقم خواهد زد.

نگاهی به رفت و آمد عراقچی میان اسلام آباد و مسقط

دیپلماسی بدون شفافیت

در حالی که رفت و آمدهای دیپلماتیک با سرعتی کم سابقه میان اسلام آباد، مسقط و مسکو در جریان است، آنچه بیش از همه به چشم می آید ابهام

در متن پیام هایی است که ظاهراً همه می خوانند جز مردم ایران؛ همان مردمی که قرار است هزینه هر توافق یا شکست را بپردازند.



محسن فرهنگند

روزنامه نگار

خبر ایران را درباره تغییر در روند سفر عراقچی و بازگشت وی به اسلام آباد پیش از عزیمت به روسیه و همزمان با آن بازگشت بخشی از هیئت همراه وی برای «اخذ دستورالعمل های لازم» به تهران، نشانه های از پیچیدگی یا شاید ابهام را مجدداً در سطح رسانه ها و افکار عمومی ایجاد کرد.

اما آنچه بلافاصله پس از انتقال پاسخ ایران از مسیر اسلام آباد رخ داد، بیش از هر چیز ماهیت واقعی طرف مقابل را عیان کرد. ترامپ نه تنها به دیپلماسی پایبند نماند، بلکه مجدداً آن را به ابزار جنگ روانی تبدیل کرد. او اعلام کرد: «آماده ام با هر کسی که در ایران صحنه گردان امور است به توافق برسم.»

وی درباره روند مذاکرات مدعی شد: «آن ها طرح مکتوبی به ما دادند که باید بهتر از این می بود... در کمتر از ۱۰ دقیقه سند جدیدی دریافت کردیم که بسیار بهتر بود... آن ها امتیازات زیادی پیشنهاد دادند، اما کافی نیست.»

این جملات نشانه ای روشن از سوء استفاده مستقیم از پیام های دیپلماتیک ایران است. پرسش کلیدی اینجا است که وقتی طرف مقابل با چنین جسارت و نیرنگی سعی بر ایجاد شائبه عقب نشینی ایران دارد، چرا ملت ایران همچنان نامحرم تلقی می شود؟ نگرانی اصلی افکار عمومی دقیقاً همین جاست. تداوم سیاست پنهان کاری در حالی که رسانه های غربی و حتی مقامات آمریکایی ادعاهای ریز درباره روند مذاکرات را دارند، نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف می کند، بلکه عملاً میدان جنگ روانی را واگذار می کند.

از سوی دیگر، بازگشت مجدد عراقچی به اسلام آباد پس از این موج جدید تهدید، این پرسش جدی را ایجاد می کند که چرا پس از پشت پا زدن آشکار آمریکا به دیپلماسی، همچنان مسیر میانجیگری از همان روند و کانال دنبال می شود؟

پرسش مهم دیگری که در ذهن افکار عمومی شکل گرفته، این است که چرا با وجود تأکید رهبر

انقلاب مبنی بر پرهیز از مذاکره بر سر مسئله هسته ای، مجموعه تحرکات دیپلماتیک اخیر از رفت و آمدهای مکرر میان پایتخت های منطقه ای و بین المللی تا نحوه تنظیم پیام ها و پاسخ ها به گونه ای پیش می رود که شائبه ورود مجدد به این حوزه حساس را در ذهن جامعه تقویت می کند؟ این تناقض، در کنار سکوت و ابهام در اطلاع رسانی، این نگرانی را تشدید کرده که مبادا در سایه همین رفت و آمدها، خطوط قرمز اعلام شده دچار تفسیرهای موسع یا حتی عدول عملی همچون برجام شود.

در نهایت، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، درک یک واقعیت ساده اما تعیین کننده است؛ طرف مقابل بر ایجاد شکاف داخلی سرمایه گذاری کرده است. تنها راه خنثی سازی این راهبرد، شفافیت و صادق بودن با مردم است. ملت ایران به حق خود را محرم می داند و تجربه تلخ برجام را فراموش نکرده است. اگر این مسیر تکرار شود، آنچه از دست خواهد رفت اعتماد مردم است، اعتمادی که بزرگ ترین سرمایه کشور به شمار می رود.

شفافیت؛ گمشده

دیپلماسی در اسلام آباد

پنهان کاری در حالی ادامه دارد که روایت های غربی، جزئیات مذاکرات را بی پرده منتشر می کنند. این تناقض، نه تنها اعتماد عمومی را فرسایش می دهد، بلکه عملاً طرف مقابل را در میدان جنگ روانی دست بالا قرار می دهد؛ میدانی که تنها با صداقت و محرم دانستن مردم می توان در آن پیروز شد.

یادداشت

همکاری با آژانس فقط بدون گروسی

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

رافائل گروسی را به جرأت می توان پرحاشیه ترین و جاه طلب ترین مدیرکل تاریخ آژانس بین المللی انرژی اتمی دانست؛ مدیری که نه تنها مرزهای سیاسی کاری در این نهاد را درنور دیده، بلکه با بی پروایی کم سابقه ای، آژانس را به تربیونی برای پیشبرد مقاصد ضد ایرانی غرب بدل کرده است. البته ماهیت و ساختار آژانس و معاهده NPT از ابتدا نیز بر پایه نوعی نظم نابرابر و سلطه جویانه شکل گرفته بود؛ نوعی که برای ابرقدرت ها «حق» تولید می کند و برای دیگران «محدودیت». اما در این میان، گروسی یک پدیده ویژه است؛ پدیده ای از سیاسی کاری عربان، وقاحت در موضع گیری و عبور کامل از جایگاه فنی.

در یکی از پرحاشیه ترین مقاطع پرونده هسته ای ایران، نام رافائل ماریانو گروسی بیش از هر زمان دیگری به عنوان بازیگری همسو با پروژه فشار آمریکا و رژیم صهیونیستی مطرح شده است. اظهارات اخیر او درباره ذخایر اورانیوم ایران، در کنار سکوت معنا دارش نسبت به حملات خطرناک به تأسیسات صلح آمیز، بار دیگر این پرسش را برجسته کرده که آیا آژانس یک نهاد بی طرف است؟ در سال های اخیر و به ویژه در مقطع جنگ های دوازده روزه و جنگ ۴۰ روزه، نقش گروسی در تشدید فشارها علیه ایران بیش از پیش آشکار شده است؛ فردی که سودای دبیرکلی سازمان ملل را در سر می پروراند و برای رسیدن به آن، از هیچ هم سویی با پروژه های ضد ایرانی دریغ نمی کند.

گروسی در تازه ترین اظهارات خود مدعی شده است که حتی با جابه جایی بخشی از ذخایر اورانیوم ایران، همچنان مقادیری «به اندازه چند کلاهک هسته ای» باقی می ماند. او با اشاره به تمرکز این مواد در اصفهان و نطنز، ادعا کرده که ایران دارای ذخایری «بسیار نزدیک به درجه تسلیحاتی» است؛ ادعاهایی که تکرار همان سناریوی نخ نمای چند دهه اخیر غرب محسوب می شود.

اوج بی پروایی گروسی آنجاست که در یکی از عجیب ترین مواضع خود در سال اخیر، به اسرائیل (رژیمی که نه عضو NPT است و نه تحت نظارت آژانس) برای نگرانی از برنامه هسته ای ایران «حق» می دهد! این در حالی است که همین رژیم دارای زرادخانه اتمی بزرگ و یکی از مخفی ترین و بی مسئولیت ترین برنامه های تسلیحاتی هسته ای در جهان است. چگونه ممکن است مدیرکل یک نهاد مدعی بی طرفی، چنین آشکار در کنار متخلف بایستد و علیه عضو متعهد موضع بگیرد؟

اکنون افکار عمومی به درستی این پرسش را مطرح می کند: ادامه همکاری با آژانس چه دستاوردی برای ایران داشته است؟ همکاری ای که نه اعتماد سازی به همراه داشته و نه مانع فشارها شده، بلکه صرفاً به ابزاری برای مطالبه گری بیشتر طرف مقابل تبدیل شده است. در چنین شرایطی، بازنگری جدی در تداوم حضور در NPT و مشروط کردن هرگونه همکاری با آژانس به کنار رفتن گروسی، نه یک انتخاب احساسی، بلکه یک ضرورت عقلانی و راهبردی است.

سیاست خارجی

تحلیلگر ایتالیایی: آمریکا برای احیای زرادخانه خود به ۵ تا ۶ سال زمان نیاز دارد

«جیانلوکا دی فئو» تحلیلگر نظامی روزنامه ایتالیایی «لا ریپوبلیکا» نوشت: «۵ تا ۶ سال طول می کشد تا ذخایر تسلیحاتی که آمریکا علیه ایران استفاده کرد، دوباره پر شود. این امر ایالات متحده را در مواجهه با رقیب استراتژیکش یعنی چین، تضعیف می کند. در همین حال، تلاش ها برای سرنگونی نظام ایران شکست خورده است.»

وی خاطرنشان کرد که واشنگتن در تلاش است با اشغال یکی از جزایر خلیج فارس در سواحل جنوبی ایران یک «پروژه نمادین» را برای خود رقم بزند. این تحلیلگر همچنین نوشت، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در بحبوحه محبوبیت پایین خود، به تقویت رسانه ای هم نیاز دارد. در همین زمینه وال استریت ژورنال نیز در گزارشی اظهار داشت: برنامه ریزان دفاعی مدت ها است که یک درگیری احتمالی چین و تایوان را یکی از سخت ترین سناریوها می دانند. استراتژیست ها می گویند هر موشکی که در یک صحنه شلیک شود، تا زمانی که جایگزین نشود، در صحنه دیگر در دسترس نیست. این رسانه آمریکایی نتیجه می گیرد: آمریکا می تواند در کوتاه مدت به بمباران ایران ادامه دهد، اما هر هفته اضافی درگیری، موشک های گرانبهایی را مصرف می کند که برای بازدارندگی در برابر چین مورد نیاز است. با شش سال زمان برای بازسازی و یک پنجره آسیب پذیری در غرب اقیانوس آرام، این پرسش باقی می ماند که در بازی اعصاب بر سر تنگه هرمز، چه کسی زودتر جا می زند.



یادداشت

«ربیون مقاومت»،

خوانشی قرآنی از نبرد امروز

مهدی سلیمانی
روزنامه‌نگار

در روزگاری که سیل خبرها، تحلیل‌ها و روایت‌های بعضاً متناقض، مرز میان حقیقت و تحریف را تیره کرده است بازگشت به منبعی که معیار ارائه می‌دهد ضرورتی انکارناپذیر است. کتاب «ربیون مقاومت» نوشته حجت‌الاسلام محمدرضا عابدینی، تلاشی جدی برای بازخوانی تحولات معاصر جبهه مقاومت با تکیه بر قرآن کریم است. تلاشی برای عبور از سطح خبر و رسیدن به عمق معنا و به دست آوردن معیارها.

واژه «ربیون» واژه‌ای قرآنی است که در آیه ۱۴۶ سوره آل عمران به کار رفته و به گروهی از مؤمنان اشاره دارد که در کنار پیامبران الهی، در سخت‌ترین میدان‌ها دچار سستی، اندوه و عقب‌نشینی نشدند. عابدینی این مفهوم را از متن قرآن بیرون می‌کشد و آن را به مثابه الگویی زنده برای فهم و زیستن در عصر ابتلا و مقاومت بازتعریف می‌کند.

این کتاب ۱۷۱ صفحه‌ای که توسط دفتر نشر معارف منتشر شده، مجموعه‌ای از مباحث قرآنی است که وضعیت جبهه مقاومت را در تقابل با استکبار جهانی با سردمداری رژیم صهیونیستی و آمریکا از طوفان الاقصی تا پایان دفاع مقدس دوازده روزه ایران واکاوی می‌کند. نویسنده با این پیش‌فرض حرکت می‌کند که مقاومت صرفاً یک پدیده نظامی یا سیاسی نیست بلکه پیش از آن امری ایمانی، ذهنی و معنوی است.

کتاب نشان می‌دهد که چگونه قرآن، مؤمنان را از «وهن» و «حزن» برحذر می‌دارد و آنان را به ایستادگی آگاهانه فرامی‌خواند. ایستادگی‌ای که ریشه در اتصال به «الله» دارد نه در محاسبات صرفاً مادی. از این منظر، ربیون کسانی هستند که عالم را با چشم خدا می‌بینند و حوادث را ذیل اراده و تدبیر الهی تحلیل می‌کنند. نگاهی که مانع فروپاشی در شرایط سخت می‌شود. نویسنده بارها تأکید می‌کند که ربیون به جای فراق‌کنی و انتقاد ویرانگر، ابتدا به نقد و اصلاح خود می‌پردازند و پیوند ولایی خود را با جبهه حق حفظ می‌کنند.

در مجموع، «ربیون مقاومت» کتابی است برای کسانی که می‌خواهند در میانه غوغای روایت‌ها، جای پای خود را بر زمین قرآن محکم کنند. اثری برای علاقه‌مندان به اندیشه مقاومت، ادبیات پایداری، تحلیل درون‌دینی تحولات معاصر و همه کسانی که نمی‌خواهند آینده را صرفاً تماشا کنند، بلکه در ساختن آن نقش داشته باشند.

موافقان نمایش عمومی «آنتیک» می‌گویند اکران این فیلم به رونق سالن‌های سینما کمک می‌کند!

فیلم موهن قابل توجیه نیست

از هرچه فیلم و پرده نمایش و آپارات است دلزده می‌کند، چون این آثار نه‌تنها برای مخاطب تولید نمی‌شوند، بلکه امکانی محسوب می‌شوند که فیلمساز به‌واسطه آن می‌تواند رزومه‌اش را چاق‌تر کند تا در آینده با بودجه بیت‌المال آمال و آرزوهای دنیوی‌اش را به نقطه‌ای امن برساند.



ایمان عظیمی

روزنامه‌نگار

در واقع سینما برای بسیاری از تکنسین‌ها و فیلمسازان آن بیش از آنکه یک «صنعت» باشد، قُلک شخصی ست. حال در این وضعیت فیلم‌کریه «آنتیک» روی پرده رفته است. «محمد هادی نائیجی» فعالیت حرفه‌ای در سینما را با دستیاری «بهروز افخمی» در فیلم «فرزند صبح» آغاز کرد. (فیلمی که هنوز پس از نزدیک به شانزده سال از نمایشش در جشنواره فیلم فجر هنوز اکران عمومی نشده است). او به‌مرور با کار در جلو و پشت دوربین، بالاخص حضور در شوراهای پروانه ساخت و نمایش به چهره‌ای شناخته‌شده در بین اهالی سینما تبدیل شد، ولی مسئله و سوژه مهم‌تر در باب زندگی شخصی این کارگردان را باید در تحصیلات حوزوی و فلسفی‌اش جست‌وجو کرد. نائیجی هم فلسفه خوانده و هم در حوزه علمیه سربحث و درس علمای بزرگ حاضر شده، پس بیش از هر هندی‌د دیگری با اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع و لوازم و اقتضائات آن آشناست و می‌داند که در حال انجام چه کاری است. پس او در نتیجه او با ساخت فیلم عجیب‌وغریب و توهین‌آمیز «آنتیک» می‌دانسته که در حال انجام چه کاری است و فرضیه جهل به موضوع در این رابطه مصداق پیدا نمی‌کند.

اما آنتیک چه می‌گوید که اهمیتش در این بازه زمانی بیش از پیش به چشم می‌آید؟ نائیجی در آنتیک می‌خواهد بگوید که خرافه، جادو و مسائلی از این دست مانند علف هرز عمل

یادداشت

چالش برانگیزترین

مسئله این روزهای هالیوود

سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

ماجرای ادغام احتمالی دو غول رسانه‌ای آمریکا، یعنی پارامونت و برادران وارنر، حالا از یک توافق اقتصادی صرف عبور کرده و به یک مناقشه جدی در دل صنعت سینما تبدیل شده است. قراردادی که ارزش آن سربه‌صدها میلیارد دلار می‌زند، اگر نهایی شود، می‌تواند نقشه قدرت در هالیوود را به‌طور اساسی تغییر دهد؛ تغییری که بسیاری از سینماگران چندان روی خوشی به آن نشان نداده‌اند.

در روزهای اخیر، موجی از مخالفت‌ها در میان اهالی سینما شکل گرفته و حالا هزاران نفر از فعالان این صنعت، از بازیگران و کارگردانان گرفته تا نویسندگان و مستندسازان، به این جریان پیوسته‌اند. نکته قابل توجه، حضور چهره‌های شاخص و جریان‌ساز در این اعتراض است؛ افرادی که هرکدام به‌تنهایی وزنه‌ای در سینمای آمریکا محسوب می‌شوند و حالا در کنار هم، نسبت به آینده این صنعت ابراز نگرانی می‌کنند. این حجم از واکنش، نشان می‌دهد که ماجرا صرفاً یک اختلاف نظر ساده نیست، بلکه نگرانی عمیقی درباره آینده ساختار تولید و توزیع در هالیوود وجود دارد.

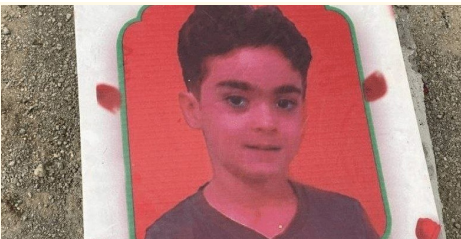
مخالفان این ادغام معتقدند که تمرکز بیش از حد قدرت در دست چند استودیوی محدود، عملاً فضای رقابت را از بین می‌برد. به بیان ساده‌تر، وقتی تعداد بازیگران اصلی این میدان کمتر شود، طبیعی است که فرصت‌ها برای فیلمسازان مستقل کاهش پیدا کند، تنوع آثار پایین بیاید و در نهایت، مخاطب هم با انتخاب‌های محدودتری مواجه شود. این همان نقطه‌ای است که منتقدان، از آن به‌عنوان زنگ خطر یاد می‌کنند؛ زنگ خطری برای صنعتی که همواره به تنوع و خلاقیتش می‌پالیده است.

در کنار این نگرانی‌ها، بحث اشتغال در صنعت سینما هم مطرح است. بسیاری براین باورند که چنین ادغامی می‌تواند به کوچک‌تر شدن بدنه تولید، حذف برخی موقعیت‌های شغلی و افزایش ناامنی کاری برای نیروهای خلاق منجر شود؛ اتفاقی که در شرایط اقتصادی فعلی، فشار مضاعفی بر فعالان این حوزه وارد خواهد کرد.

اگر چه این پرونده هنوز بسته نشده و تصمیم‌گیری درباره آن به نهادهای نظارتی گره خورده است، با این حال، آنچه از همین حالا روشن است، شکافی است که در دل هالیوود شکل گرفته؛ شکافی میان منطق سرمایه و نگرانی برای آینده خلاقیت، که سرنوشت آن می‌تواند مسیر سینمای جریان اصلی را در سال‌های پیش‌رو تعیین کند.



ماکان جاویدالآثر سینمایی می‌شود!



ساخت یک فیلم سینمایی با محوریت ماکان نصیری، کودک جاویدالآثر حادثه مدرسه میناب، این روزها در مرحله نگارش قرار دارد؛ پروژه‌ای که سیامک مردانه، به‌عنوان نویسنده و کارگردان، آن را پیش می‌برد و می‌خواهد از دل یک فاجعه به یک روایت قابل توجه برسد. اینجا دیگر صرفاً با یک داستان تراژیک طرف نیستیم، بلکه با زخمی مواجهیم که بسته نشده و هنوز هم در

حافظه یک خانواده و حتی یک جامعه زنده است. طبق شنیده‌ها تمرکز اصلی فیلمنامه بر خود ماکان است؛ کودکی که هیچ‌گاه به خانه برگشت و همین «نبودن»، تبدیل به محور روایت شده است. داستان از دو روز پیش از حادثه آغاز می‌شود؛ از جایی که همه چیز در ظاهر عادی است، و بعد قدم‌به‌قدم به سمت یک خلأ دائمی پیش می‌رود. این امتداد زمانی، اگر درست پرداخت شود، می‌تواند اثر را از یک بازسازی ساده فراتر ببرد.

مردانه برای نزدیک شدن به این جهان، پای صحبت خانواده ماکان نشسته و تلاش کرده جزئیاتی را ثبت کند که در روایت‌های رسمی کمتر دیده می‌شود. همین مواجهه بی‌واسطه، در صورت نشستن درست در فیلمنامه، می‌تواند به شکل‌گیری اثری منجر شود که از سطح یک داستان عبور کرده و به نوعی سند تصویری از یک فاجعه بدل شود.